

آن چه را شوستر پس از بازگشت - با دست خالی! - پیرامون ایران به قلم آورده است نیز خواندنی است. در این زمینه هم سرنخ‌هایی را می‌توان در این یا آن نشریه و کتاب به دست آورد.

به هر روی نمونه‌ای را که اینک از نگاه می‌گذرانیم از روزنامه رستاخیز<sup>۱</sup> است: از روزنامه‌ای که در واپسین سال‌های رژیم پهلوی‌ها با این فلسفه به صحنه آمد که شاید نوش دارویی باشد برای رژیمی رو به احتضار!

نمونه‌ای دیگر را نیز از روزنامه‌ی اقدام می‌بینیم که به رغم جنبه‌های منفی، افشاگر واقعیت‌هایی است از آلودگی سیاست این کشور به خیانت!

## یک نمونه از غیرت زنان ایران<sup>(۱)</sup>

به قلم مورگان شوستر - روزنامه رستاخیز ایران

پایتخت ایران روزهای تاریک و سیاهی را طی می‌کند. کشور از هر طرف مورد مهاجمه قوای اجنبی قرار گرفته. دولت روسیه تزاری هم اولتیماتوم داد، مردم نگرانند که آیا مجلس و مجلسیان تاب مقاومت دارند یا نه.

در شهر وقایع است که نمایندگان از شدت بیچارگی مصمم شده‌اند امیال روسیه تزاری را برآورده سازند. پایتخت و بازار با یک دنیا نگرانی در انتظار وقوع حوادث می‌باشند. در چنین موقعی بیش از ۳۰۰ زن چادر به سر و روبنده که شراره‌ی عشق و انتقام از دیدگان‌شان می‌جست با عزم خلل ناپذیری از حرم‌سراها و اندرونی‌ها بیرون

آمده و با هفت تیرهایی که در زیر چین و شکن چادرهای خود پنهان ساخته بودند یک سره روانه‌ی مجلس شدند و از رئیس تقاضای ملاقات کردند حال نمایندگان سرزمین شیر و خورشید این اقدام را چگونه تلقی کردند اطلاعی در دست نیست ولی آن چه مسلم است این است که رئیس مجلس هیأتی از نمایندگان زنان را در سر سرای مجلس پذیرفت. زنها کفن‌های سیاه را از سر به دور افکنده پاشته هفت تیرها را در دست فشرده خروش برآوردند که از ما به نمایندگان بگوئید این گروه مادران - خواهران و زنانی که در اینجا اجتماع کرده‌اند مصمم‌اند که هرگاه یکی از وکلای مجلس یا نمایندگان ملت از حدود وظیفه خود تخطی کنند ولو پدر برادر و شوهر باشد با یک تیر از پای در آورند - اگر وکلاء نتوانند به وظیفه‌ی خود عمل کرده شرافت و حیثیت مردم و ملت ایران را حفظ کنند آن قدر مقاومت خواهیم کرد که دشمن از روی اجساد ما عبور کند.

گرچه دو هفته بعد مجلس در اثر کودتایی که به تحریک روس‌ها تهیه شده بود بسته شد و دوره‌ی فترتی پیش آمد ولی این افتخار برای زنان ایرانی در تاریخ گیتی محفوظ گردید که هیچ‌گاه به صلح ننگین تن در نداده و شرافت و حیثیت ملی و قومی خویش را لکه دار ساختند - آیا سزاوار نیست که بگوئیم آفرین بر زنان چادر به سر ایران؟!

نقل از کتاب: اختناق ایران